

میثاء سالم شامسی*

ماجد نجار**

چکیده

در یک دهه اخیر، پژوهش درباره جایگاه زنان در حیات سیاسی و اجتماعی کشورهای عربی شتاب بیشتری گرفته است، به ویژه اینکه عموم این کشورها درگیر پیامدهای گوناگون روند جهانی شدن هستند. در مقاله حاضر، دگرگونی وضعیت و نقش زنان در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس مورد بررسی قرار گرفته و به ویژه آمارهای قابل توجهی از رشد و گسترش آموزش و تحصیلات آنان ارایه شده است. همچنان که نویسنده نشان می‌دهد، رشد میزان فارغ التحصیلان از دانشگاه سبب حضور جدی تر زنان در بازار کار و البته هم‌زمان، کاهش نقش سنتی آنان در نهاد خانواده می‌شود. از این رو، تحول نقش سنتی زنان پیامدهای مهم و حتی خطرانی را به دنبال دارد که پیشنهادهایی برای کاهش آثار آنها، بخش پایانی مقاله را به خود اختصاص داده است. یادآوری می‌شود که این گزارش در سمینار مرکز مطالعات وحدت عربی (۲۴ نوامبر ۲۰۰۰، بیروت) ارایه شده است.

کلید واژه‌ها: فمینیسم، سازمانهای زنان، اشتغال زنان، برابری جنسی، آموزش عالی، شورای همکاری خلیج فارس

* معاون پژوهشی دانشگاه امارات متحده عربی و مشاور اتحادیه کل زنان امارات متحده عربی
میثاء سالم شامسی، «المرأه الخلیجیه (فارسیه) الی این؟»، *المستقبل العربی*، العدد ۲۷۳، ۲۰۰۱/۱۱، صص ۱۰۷-۷۹.
** مترجم و کارشناس منطقه خاورمیانه عربی
فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دوازدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۴، صص ۱۶۱-۱۲۷

در دهه‌های گذشته توجه به زن از سوی جوامع، سازمانهای بین‌المللی و نهادهای داخلی کشورها افزایش یافت، بحثهای دانشگاهی درباره فعال کردن نقش زن و بهبود جایگاه وی نیز بالا گرفت و برنامه‌ها و طرحهای گوناگونی برای پیشبرد آن ارایه شد، همچنین راه‌حلها و پیشنهادهای متنوعی برای بسیاری از موانع موجود مطرح گردید. در عین حال، پرسشهای فراوانی درباره آینده زن و توانایی وی برای مواجهه با خطراتی که زنان و ادار به رویارویی با آن شده‌اند، عنوان شد. موضوع این بحث درباره بعضی از آن پرسشهاست که پیرامون نقش آینده‌ای که زنان خلیج فارس باید آن را بر عهده بگیرند، دور می‌زند. همچنان که مشخص است، سخن درباره آینده زمانی صورت می‌گیرد که واقعیتهای بر جای مانده از گذشته و تحولات گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شناسایی و مورد بررسی واقع شود. پیش از بررسی این موضوع، باید تأکید کنم که:

۱. بررسی این موضوع از سوی اینجانب هیچ‌گونه ارتباطی به جهت‌گیریهای ایدئولوژیک ندارد و از هیچ‌اندیشه سیاسی و یا اقتصادی طرفداری نمی‌کند، بلکه تکامل علمی آن را مدنظر دارد و بر آن تأکید می‌کند؛ چون شناخت واقعیت‌نقشهایی که زنان بر عهده دارند قابل تشخیص، و شناسایی جلوه‌های آن از یک دیدگاه امکان‌پذیر نیست، بلکه باید با توجه به ساختار زیربنایی و فرهنگی جوامع مورد بررسی قرار گیرد.

۲. شناسایی دستاوردهای زن در زمینه‌های گوناگون نباید از طریق مقایسه با دستاوردهای زنان در جوامع اروپایی و یا آمریکایی صورت گیرد، بلکه باید دوران کوتاه‌رشد در جوامع خلیج فارس - که بیش از یک‌ربع قرن از آن نمی‌گذرد - و همچنین خصوصیات فرهنگی که شخصیت زن در خلیج فارس دارد، و راههایی که از طریق آن نقش خود را در جامعه ایفا می‌کند و نیز مسایل مؤثر بر آن را در نظر گرفت.

جلوه‌های تحول در نقش زنان

تحول تاریخی و واقعیت اجتماعی جوامع خلیج فارس نشان می‌دهد که زن نقش‌های بسیاری بر عهده داشته که جایگاه وی را بر او تحمیل کرده است؛ از جمله، روند اجتماعی و فرهنگی موجود که اقتصاد سنتی معیشتی را (و بسیاری از فعالیتهای تولیدی سنتی را که با آن در ارتباط است) با توجه به سطح آموزشی، خدمات آموزشی و سیستم خانوادگی کهن که دارای سنتها و ارزشهای سرچشمه گرفته از دین اسلام است، پایه‌ریزی کرده است. با وجود رخنه فرهنگ غربی، خانواده همچنان به ارزشهای والای اسلامی پایبند است و زن به دور از جریانهایی مانده است که عفت او را خدشه‌دار می‌کند، پسران و دختران او از آزادی برخوردار هستند، همچنین پدر و مادر خانواده در نظارت بر فرزندان و حمایت از آنان در برابر هرگونه رویدادی که ممکن است آبرویشان را خدشه‌دار کند، ایستادگی می‌کنند؛ این نکته از دستورات دین اسلام سرچشمه گرفته و از هرگونه زیاده‌روی و بی‌بندوباری جلوگیری می‌کند.

در این چارچوب و با وجود جلوه‌های گوناگون آن، زن نقش‌های متعددی را بر عهده گرفت؛ از جمله، فعالیت اقتصادی (تولیدی) و خانه‌داری. او نقش خود را به عنوان همسر و مربی فرزندان و مدیر خانه و همیاری همسر خود در بعضی از فعالیتهای تولیدی بر عهده داشت. این نقشها که خود دارای چارچوب اجتماعی و فرهنگی خاصی است، دارای این ویژگی است که به جایگاه زن به عنوان همسر و مادر ارتباط دارد، و بیشتر آن پیرامون برآورده کردن نیازهای خانواده به ویژه روند تربیت اجتماعی دور می‌زند و کمتر با هدف مشارکت در فعالیتهای اقتصادی است، اما در پی دستیابی به نفت و پیدایش نهادهای حکومتی نوین برای رژیمهای حاکم، جایگاه زن دچار دگرگونی شد و به سوی افزایش مشارکت در فعالیتهای اقتصادی کنار زده شد و نقش وی در چارچوب خانواده محدودتر گردید.

تانیمة دهه ۱۹۸۰ تمامی این عوامل تأثیرگذار بودند و واقعیت نقش زن در خلیج فارس را دگرگون ساختند. تحولاتی که نفت به وجود آورد؛ از جمله، روی آوردن مردم به سوی شهرها و افزایش درآمدهای هنگفت، به بهبود وضعیت بهداشتی و اقتصادی انجامید و نقش

مصرف کنندگی زن را گسترده تر کرد و نقش تولیدکنندگی وی را در زمینه های گوناگون کاهش داد. با توجه به فراهم شدن زمینه های ازدواج زود هنگام و تشکیل خانواده های مدرن، به زن فرصت داده شد تا به نقش خود به عنوان همسر بیشتر بپردازد. روند مدرنیته با آثار جمعیتی و اجتماعی آن، خانواده را دچار تحول کرد و از شکل سنتی به صورت امروزی و مدرن در آورد و در نتیجه، روابط و جلوه های خانوادگی؛ مانند همکاری، قدرت و همبستگی دچار دگرگونی شد و بعضی از ارزشها که بیشتر دارای جنبه مادی و فردی هستند، به وجود آمد که بر روابط اعضای خانواده و همبستگی میان آنها تأثیر گذارد. برنامه های گوناگون توسعه و همچنین طرحهای جوامع خلیج فارس برای دگرگون کردن ساختار اقتصاد خود از وضعیت متکی به نفت، نقش اقتصادی و خانوادگی زن را نیز دچار تحول کرد، و رابطه زن با جامعه از رابطه یک جانبه به ارتباطی دوجانبه (دادوستد) تبدیل شد؛ این تحول در نتیجه آموزش و تجربه ای است که زن بر اثر جنبش آموزشی با تمامی جنبه های آن (برنامه ها، منابع و مسئولان آموزشی) از آن برخوردار شد.

جلوه های نقشهای گوناگون زنان

آموزش و مشارکت اقتصادی

آموزش به فراهم شدن کادرهای زنانه انجامید که توانست نقش برجسته ای در تولید جامعه بر عهده داشته باشد و تحولات و تغییراتی نیز در نقشهای خانوادگی زن به وجود آورد، بر اثر آن نقش زن صرفاً در حد بارداری و تربیت نماند، بلکه به او امکان داد که خارج از خانه نیز کار کند و در فعالیتهای گوناگون مشارکت داشته باشد. موارد ذیل وضعیت این کادرهای انسانی و زمینه های فعالیت آن را مشخص می کند. جدیدترین آمار موجود درباره فارغ التحصیلان زن در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نشان می دهد که شمار زنان فارغ التحصیل در امارات متحده عربی تا سال تحصیلی ۹۸-۱۹۹۷ به ۱۴۲۱۱ رسید، در حالی که در همان مدت شمار فارغ التحصیلان مرد ۷۰۷۸ بود.^۲ در سال تحصیلی ۹۷-۱۹۹۶ شمار

فارغ التحصیلان زن دو برابر مردان بود و به ۱۰۷۲۵ تن رسید، در حالی که فارغ التحصیلان مرد ۵۴۴۱ نفر بودند.^۲ آمارهای پنج سال اخیر نشان می‌دهد که ۷۱۱۵ دانشجوی زن فارغ التحصیل شده‌اند و بیشتر آنان (۶۰ درصد) در دانشکده‌های نظری بوده‌اند، در دانشکده‌های علوم انسانی و اجتماعی ۱۶۱۳ نفر، دانشکده‌های تربیت معلم ۲۴۳۵ نفر، و دانشکده مدیریت و اقتصاد ۵۸۴ نفر، که در مقایسه با فارغ التحصیلان دانشکده‌های دارای رشته‌های عملی و فنی، شمار آنها کاهش می‌یابد (جدول شماره ۱). همین موضوع در دانشگاه عجمان دیده می‌شود. آمارهای موجود نشان می‌دهد که مجموع فارغ التحصیلان زن در پنج سال اخیر به ۳۲۹ نفر رسید که ۱۶۲ نفر فارغ التحصیل از رشته‌های نظری و ۱۶۴ نفر فارغ التحصیل در رشته‌های عملی بوده‌اند (جدول شماره ۲).

آمارها در باره وضعیت آموزش دانشگاهی در کویت نشان می‌دهد که از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۹ اقبال برای پیوستن به دانشگاه کویت - که در سال ۱۹۶۶ گشایش یافت - بیشتر شد و از همان آغاز نسبت دختران بیش از پسران بود، در نتیجه، نسبت فارغ التحصیلان دختر نیز بیش از پسران شد، این نسبت طی بیست و پنج سال از ۶۰ درصد کمتر نبود و در سال تحصیلی ۸۱-۱۹۸۰ به ۶۰/۳۹ درصد و در سال ۹۵-۱۹۹۴ به بالاترین اندازه که ۷۶ درصد بود، رسید، ولی بار دیگر رو به کاهش گذارد تا آنکه در سال تحصیلی ۹۹-۱۹۹۸ به ۷۱ درصد رسید (جدول شماره ۳).

دانشگاه‌های عربستان سعودی،^(۱) طی پنج سال اخیر، فارغ التحصیلان دختر بسیاری داشته‌اند که از جمله در سال ۱۹۹۹ به ۴۵۷۶۰ تن رسیدند. دانشکده‌های مدیریت بیشترین دانشجویان دختر را جذب می‌کنند که شامل ۱۸۲۷۴ دانشجویست و پس از آن به ترتیب دانشگاه ملک عبدالعزیز با ۲۴۴۵ فارغ التحصیل دختر، دانشگاه ملک سعود با ۲۳۰۱ نفر،

۱. این دانشگاهها عبارتند از: دانشگاه ملک سعود، دانشگاه ملک فیصل، دانشگاه امام محمد بن سعود، دانشگاه ملک عبدالعزیز، دانشگاه ام‌القری و همچنین دانشکده‌های مدیریت دختران.

دانشگاه امام محمد بن سعود با ۱۵۹۳ نفر، دانشگاه ملک فیصل با ۱۵۱۸ نفر، و سرانجام دانشگاه ام القری با ۱۳۵۵ نفر.^۴

همین موضوع درباره فارغ التحصیلان دختر در قطر صدق می کند که در پنج سال اخیر افزایش یافته و به ۴۸۸۰ تن رسیده است، البته شمار آنان در رشته های نظری بیش از عملی است. در این مدت، شمار فارغ التحصیلان دختر از دانشکده علوم انسانی و اجتماعی به ۸۴۵ نفر و در دانشکده تربیت معلم به ۱۸۶۱ نفر رسید، در حالی که شمار فارغ التحصیلان دختر از دو دانشکده علوم و مدیریت و اقتصاد بیش از ۴۰۰ نفر نبود. دانشکده علوم نیز ۳۸۴ تن و دانشکده مدیریت و اقتصاد ۲۰۱ تن فارغ التحصیل دختر داشت. نسبت فارغ التحصیلان دختر از دانشکده مدیریت و اقتصاد در رشته های حسابداری و مدیریت ۸۳/۰۹ درصد بود، در حالی که فارغ التحصیلان رشته اقتصاد کمتر از ۷ درصد بود و نسبت مدیریت کمتر از ۱۰ درصد بود (جدول شماره ۴).^۵

آمار دختران فارغ التحصیل از دانشگاه بحرین، در همین مدت، به ۴۰۷۹ تن رسید که در این میان شمار فارغ التحصیلان دانشکده مهندسی بیشتر است؛ در سال تحصیلی ۹۵-۱۹۹۴ به ۱۰۴ نفر و در سال ۹۹-۱۹۹۸ به ۱۸۸ تن افزایش یافت و نشان دهنده گرایش به سوی رشته های فنی مهندسی و روی برگرداندن از دیگر رشته ها مانند علوم انسانی است. دانشکده جهانگردی بحرین در سال ۹۷-۱۹۹۶، ۷ فارغ التحصیل دختر داشت، اما در سال ۹۹-۱۹۹۸ این آمار به ۵۳ تن افزایش یافت (جدول شماره ۵).

دانشگاه «خلیج» [فارس] که در سال ۱۹۸۰ به عنوان یک موسسه مشترک آموزش عالی و پژوهش علمی از سوی شورای همکاری خلیج فارس تأسیس شد، تا سال ۱۹۹۸، ۱۳۵۷ فارغ التحصیل دختر داشت که حدود ۵۰۰ تن از دانشکده های پزشکی و پژوهش های عالی و ۷۴۷ تن از دانشکده علوم بهداشتی و ۱۱۰ تن از دانشکده جهانگردی بودند.

اکثر آمارهایی که درباره وضعیت فارغ التحصیلان دختر در کشورهای عضو شورای همکاری مطرح گردید، نشان می دهد که:

- شمار دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دختر در امارات، عربستان، قطر و بحرین بیش از پسران است و به عکس در کویت، آمار پسران در حال افزایش است. اما پیش‌بینی‌ها درباره فارغ‌التحصیلان زن، نشان‌دهنده افزایش شمار آنان حتی در کویت است.

- شمار فارغ‌التحصیلان دختر در امارات و بحرین در دانشکده‌های نظری مانند ادبیات و علوم انسانی، تربیتی، الهیات و حقوق افزایش داشته است، ولی شمار آنها در رشته‌های علمی و عملی (رایانه، مدیریت، اقتصاد و مهندسی با گرایشهای مختلف) افزایش ناچیزی داشته است، در حالی که در کویت این شمار کاهش یافته است و در مقابل شمار فارغ‌التحصیلان دختر از دانشکده علوم تطبیقی و مراکز آموزش افزایش نشان می‌دهد. شمار فارغ‌التحصیلان دختر در رشته‌های علوم فناوری، مدیریت و اقتصاد در قطر افزایش ناچیزی را نشان می‌دهد. در عربستان سعودی فارغ‌التحصیلان دختر در این رشته‌ها بسیار کم است و پیش‌بینی می‌شود که پیوستن دختران به دانشکده‌های نظری در آینده کاهش یابد و در نتیجه، شمار فارغ‌التحصیلان این رشته‌ها نیز کمتر شود. آمارها نشان می‌دهد که شمار فارغ‌التحصیلان دختر از دانشکده علوم پزشکی و مراکز آموزش ارتباطات و هوانوردی در کویت کاهش یافته و پیش‌بینی می‌شود که فارغ‌التحصیلان دختر از آموزشگاه پرستاری افزایش یابد.

جلوه‌های نقش اقتصادی

جنبش آموزشی در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به گشودن افق‌هایی برای افزایش مشارکت زنان در زمینه‌ها و فعالیتهای اقتصادی انجامید، و وضعیت موجود که حجم مشارکت زن در کار و اشتغال را منعکس می‌کند، نشان‌دهنده این واقعیت است، که در بخشهای بعدی مطرح خواهد شد. در امارات متحده عربی با وجود افزایش مشارکت زنان در بسیاری از فعالیتهای آنها از ۱۰ درصد در سال ۱۹۹۸، نسبت این مشارکت بیش از ۴ درصد در زمینه کشاورزی و ۲ درصد در بخش صنایع و برق نمی‌باشد و در فعالیتهای زیربنایی (ساختمان سازی، حمل‌ونقل، بازرگانی و بانکداری) به ۱۰ درصد می‌رسد. اشتغال زنان نیز در زمینه‌های

گوناگون استقرار یافته است: ۵۳/۱ درصد در آموزش و پرورش، ۴۵/۲ درصد بهداشت، ۱۷/۹ درصد برق، ۳۳/۳ درصد وزارت کار و امور اجتماعی، ۱۲/۷ درصد بخش کشاورزی، ۷/۱ درصد امور کشوری، ۱۳/۷ درصد مشاغل عمومی و ۹/۷ درصد حمل و نقل، ۱۸/۷ درصد امور خارجه، ۷/۳ درصد دادگستری، ۱۸/۸ درصد دارایی و صنایع، ۲۲/۴ درصد امور کابینه، ۱۲/۶ درصد وزارت برنامه ریزی، ۱۳/۲ درصد ارتباطات و بازرگانی، ۱۳/۶ درصد ورزش و جوانان، ۳۵/۴ درصد آموزش عالی و ۱۴/۸ درصد فرهنگ و اطلاع رسانی.^۶

با وجود افزایش شمار فارغ التحصیلان دختر از دانشکده‌های فناوری و بهره‌مند شدن آنان از مهارت‌های لازم برای اشتغال در بخش خصوصی (بانکها، شرکتهای سرمایه‌گذاری و شغل‌های اداری)، مشارکت آنان در این بخش همچنان ناچیز است. آمارهای موجود نشان می‌دهد که از مجموع ۶۴۶۳ زن شاغل در سال ۱۹۸۵، فقط ۱۳۸ تن و در سال ۱۹۹۵ از مجموع ۸۷۵۲ تن، ۶۱۳ نفر در بخش خصوصی اشتغال داشتند. این مشارکت ناچیز چندین علت دارد؛ از جمله، به کارگیری خارجیها و برتر دانستن آنان، محدودیتهای فرهنگی که با هر گونه ارتباط زن و مرد مخالف است و محدودیتهای اجتماعی خانواده که با اشتغال زن در این بخش مخالف است.^۷ نسبت مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی در سلطان نشین عمان از ۷/۷ درصد در سال ۱۹۹۳، به ۱۰/۱ درصد در سال ۱۹۹۷ افزایش یافت. این امر به علت افزایش میانگین رشد به طور کلی و گسترش برنامه‌های مربوط به رشد و گسترش مشارکت زنان به طور ویژه است. ۳/۵۷ درصد از زنان شاغل در گروه سنی ۲۰ سالگی هستند و نزدیک به ۷۲/۸ درصد از آنان در بخش دولتی مشغول به کار هستند. آمارها نشان می‌دهد که نسبت زنان شاغل در بخش کشاورزی از ۶/۵ درصد در سال ۱۹۹۳ به ۱۱/۴ درصد در سال ۱۹۹۶ افزایش یافت، در همین مدت، در بخش صنعت از ۲۰/۹ درصد به ۲۷/۲ درصد، و در بخش خدمات از ۷/۹ درصد به ۹/۷ درصد افزایش یافت. نسبت زنان شاغل در بخش دولتی از ۲۲/۴ درصد در سال ۱۹۹۵ به ۲۵/۵ درصد در سال ۱۹۹۸ فزونی یافت، در حالی که نسبت اشتغال آنان در بخش خصوصی از ۱۶/۷ درصد فراتر نرفت. آمارهای مربوط به شاغلان زن و مرد بالاتر

از ۱۵ سال در سلطان نشین عمان نشان می‌دهد که زنان ۳۹/۱ درصد بیشترین اشتغال را در بخش آموزش و پرورش در سال ۱۹۹۷ داشته‌اند و پس از آن در بخش بهداشت و خدمات اجتماعی با نسبت ۳۲/۳ درصد. دلیل روی آوردن زنان به اشتغال در بخش آموزش و پرورش هماهنگی و مناسب بودن طبیعت این شغل با روحیه زنان است.^۸

میانگین فعالیت اقتصادی زنان در عربستان سعودی به ۱۰/۶ درصد در سال ۱۹۹۷ رسید، اما در مقایسه با میانگین فعالیت اقتصادی مردان، این شکاف از ۱۵ درصد به ۱۲ درصد در سالهای ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۷ کاهش یافت. میانگین فعالیت اقتصادی زنان در قطر نیز به ۲۲/۱ درصد در سال ۱۹۹۷ رسید، و در مقایسه با میانگین اشتغال مردان بهبود یافت و از ۱۵ درصد به ۳۰/۷ درصد طی سالهای ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۷ افزایش داشت.^۹ اما جایگاه کلی زن در قطر و به ویژه فارغ التحصیلان زن در شرکتها و مؤسسه‌های خصوصی بسیار محدود و ناچیز است، و این مؤسسه‌ها همچنان شمار فراوان فارغ التحصیلان زن بیکار را به بهانه‌های نابجا نادیده می‌گیرند تا استخدام افراد بیگانه را توجیه کنند. در قطر ۱۳ بانک قطری عربی و غیر عربی فعالیت دارند که در آنها ۲۷۷۳ نفر کارمند مشغول فعالیت هستند، بر اساس آمارهای ۱۹۹۸ از میان ۴۶۲ کارمند زن در این بانکها فقط ۸۹ تن از آنها تبعه قطر هستند؛ بدین معنی که نسبت آنان در میان کل شاغلان، ۳ درصد و در میان کل زنان شاغل، ۱۹ درصد است. در بخش بیمه، ۷ شرکت داخلی عربی و غیر عربی در قطر فعالیت دارند که دارای ۳۰۴ کارمند زن و مرد هستند، در میان آنان فقط یک کارمند زن تبعه قطر دیده می‌شود که این مسئله خود پرسش برانگیز است. شمار جمعیت‌های تعاونی در قطر به ۱۲ مورد می‌رسد که دارای ۵۸۴ کارمند هستند، اما همچنان از استخدام زنان قطری خودداری می‌کنند. با وجود گسترش روز افزون بخش مختلط زنان و مردان و ادامه اشتغال اتباع بیگانه غیر عرب در آن، زنان قطری شاغل در آن در سال ۱۹۹۷ بیشتر از ۳۸ تن نبودند، اما در سال ۱۹۹۸ پس از خصوصی سازی شرکت ارتباطات قطر به ۱۲۸ تن رسیدند. آمارها نشان می‌دهد که هنوز ۱۳ شرکت مختلط از استخدام زنان قطری خودداری می‌کنند و فقط ۳ شرکت مختلط ۵ کارمند زن قطری به کار گرفته‌اند.

در حالی که زنان در دو بانک ملی قطر و شرکت ارتباطات قطر تمرکز داشتند. در بحرین، نسبت مشارکت زنان بومی به ۱۷/۵ درصد، و نسبت مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی در سال ۱۹۹۷ به ۲۰/۷ درصد رسید. همچنین میانگین زنان شاغل (بالای ۱۵ سال) در سال ۱۹۹۱ به ۱۹/۴ درصد رسید. در سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ نسبت مشارکت زنان در مقایسه با مردان ۳۳/۱ درصد و همچنین نسبت زنان شاغل در مشاغل اداری ۶ درصد، نسبت زنان شاغل در مشاغل حرفه‌ای و فنی ۲۶ درصد، زنان شاغل در کارهای فروشندگی و خدمات ۸ درصد، در مشاغل انتظامی ۲۳ درصد، و مشاغل مربوط به خانواده و بدون مزد ۸ درصد بود.

در کویت، در پایان سال ۱۹۹۵، نسبت مشارکت زنان در بخش اشتغال به ۱۵/۷۹ درصد رسید و در نتیجه، میانگین نسبت مشارکت زنان در آن سال به ۳۲/۲ درصد افزایش یافت. رشد مشارکت زنان در سالهای ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۹ شاهد افزایش چشمگیری بود که به ۷/۸۸ درصد در سال رسید، در حالی که میانگین رشد مشارکت زنان در پایان سال ۱۹۹۹ به ۱۸/۵۶ رسید. بهبود نسبی مشارکت زنان کویتی در بخش اشتغال و افزایش سهم آنها از بازار کار به طور کلی با بهبود شرایط آموزشی و افزایش شمار زنان فارغ التحصیل دانشگاهی هم‌زمان بود و در حالی که در سال ۱۹۹۵ به ۳۱/۲۳ درصد رسیده بود، در سال ۱۹۹۹ به ۳۶/۲۷ درصد رسید که نشان دهنده افزایش ۵/۴۰ درصدی است. در این میان نسبت زنان دارای تحصیلات متوسطه، کمتر از متوسطه و بدون تحصیلات به ترتیب از ۴۱/۳۷ درصد، ۲۴/۴۱ درصد و ۲/۹۹ درصد به ۳۸/۶۰ درصد، ۲۲/۷۷ درصد و ۲/۳۷ درصد در سال ۱۹۹۹ کاهش یافت.^{۱۰}

سالهای ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۹ شاهد بهبود نسبی توزیع نیروی کار زنان در مشاغل مختلف بود، به ویژه نسبت اشتغال زنان در فعالیتهای مهندسی، مدیریت و نظارت، مسئولیتهای فنی و مهندسی، کارگری ماهر و نیمه ماهر افزایش یافت و در مقابل، نسبت زنان شاغل در کارهای تدریس، پلیس، خدمات، کشاورزی و کارگری عادی کاهش یافت. بهبود اوضاع اشتغال زنان در کویت در سالهای ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۹ در افزایش اشتغال آنها در بخش خصوصی ولو به مقدار

ناچیز جلوه گر شد و در حالی که در آغاز این دوره ۴/۴۸ درصد بود، در پایان آن به ۴/۷۰ درصد رسید. امادر بخش دولتی از ۹۵/۵۲ درصد به ۹۵/۳۰ درصد کاهش یافت، به طور کلی در این مدت زنان شاغل در بخش دولتی ۳۵/۴ درصد و در بخش خصوصی ۴۱/۹ درصد افزایش یافت.^{۱۱}

آموزش و تحول نقشهای خانوادگی زنان

آموزش از جنبه دانش، و کار با توجه به ارزش اقتصادی و اجتماعی آن تأثیر بسزایی بر تحول نقشهای زن به عنوان همسر و مادر داشت و به تحول نسبی در سنتهای ازدواج انجامید و موارد ازدواج زود هنگام کاهش یافت. در گذشته یکی از جلوه‌های فرهنگی زن در این منطقه، ازدواج زود هنگام در سنین جوانی بود، در حالی که با توجه به وضعیت تحصیلی و شغلی و بهبودی اوضاع اجتماعی، ازدواج در سنین بالاتری صورت می‌گیرد. آموزش، تحصیل و بازدهی اقتصادی زن، به مشارکت وی در هدایت خانواده و تحکیم موفقیت وی در تصمیم‌گیریهای خانوادگی، چه درباره مسایل مربوط به خود و چه درباره آموزش و تحصیل فرزندان و حل مشکلات آنان انجامید. همچنین در کاهش مسئولیتهای اقتصادی خانواده مؤثر بود.^{۱۲}

تحصیلات و کار در عین حال به کاهش بعضی نقشهای خانوادگی زن، به ویژه درباره بارداری و تربیت اجتماعی، انجامید. در زمینه نقش بارداری زن، سیستم نوین و مدرنیزه خانواده و مسئولیتهای آن به هم‌اندیشی زن و شوهر برای کاهش تعداد فرزندان کشیده شد و شمار کنونی اعضای خانواده به ۵ یا ۶ کاهش یافت، در حالی که در گذشته ۸ یا ۹ تن بود. در زمینه کاهش نقش اجتماعی زن در خانواده، باید اشاره کرد که تربیت یک فرزند اجتماعی است که با توجه به آن، فرد از یک موجود بیولوژیک به یک موجود اجتماعی تغییر پیدا می‌کند، این فرایند به وسیله چندین شخص صورت می‌گیرد که به اصطلاح پرورش دهندگان هستند، به ویژه پدر و مادر که در این فرایند چندین نقش و مسئولیت بر عهده دارند. این فرایند همچنین چند رکن اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد که فراهم شدن بسیاری از خواسته‌های مادی،

بهداشتی و اجتماعی کودک را برآورده می‌کند تا وی بتواند شخصیت خاص خود را بیابد و در زمینه اجتماعی جایگاهی را به دست آورد. تحولات اجتماعی به تحول در پرورش می‌انجامد. این تحول شامل افراد مسئول پرورش و همچنین ارکان آن می‌شود و خانواده دیگر، تنها نهاد اجتماعی نیست که این مسئولیت را بر عهده دارد. چند نهاد فرهنگی، اجتماعی و پرورشی هم‌اکنون در این روند مشارکت دارند و پدر و مادر به دلیل اشتغال، مسئولیت هدایت و راهنمایی فرزندان را کنار گذاشته‌اند.

زنان و تصمیم‌گیری

آنچه که گفته شد، تأثیر تحصیل و تحولات اجتماعی و فرهنگی را در انجام وظیفه زن نشان داد، اما این اثر همچنان محدود است و یکی از جلوه‌های آن ناهمگونی میان شمار زیاد زنان فارغ‌التحصیل دانشگاهی و نسبت ناچیز آنان در اشتغال از یک‌سو، و همچنین عدم حضور زن در مسئولیتهای سرنوشت‌ساز از سوی دیگر می‌باشد. باید تأکید کرد که مطالعات مربوط به مشارکت زنان در خلیج فارس در تصمیم‌گیریها از طریق مشارکت در مسئولیتهای عالی بسیار کم است و آمارها، اطلاعات ناچیزی را در این باره ارائه می‌دهند. اطلاعاتی که از طریق آمارها به دست آمده است، چنین می‌باشد:

۱. در امارات متحده عربی، آمارها نشان می‌دهد که زنان انگشت‌شماری مسئولیتهای عالی را در ادارات دولتی بر عهده دارند که خود به دو شاخه دولتی و اقتصادی تقسیم می‌شود. مقصود از نهادهای دولتی، وزارتخانه‌ها، خدمات عمومی و دستگاههایی که دارای بودجه ویژه‌ای برای استخدام هستند، و همچنین واحدهای اداری محلی است، اما مقصود از واحدهای اقتصادی، دستگاههایی هستند که دارای فعالیت اقتصادی با هدف تحقق منافع عمومی بوده و در اختیار دولت قرار دارند.^{۱۳} اطلاعات موجود نشان می‌دهد که شمار زنان شاغل در واحدهای دولتی که مسئولیتهای عالی بر عهده دارند، بسیار ناچیز است و فقط در شش وزارتخانه از مجموع ۲۳ وزارتخانه حضور دارند (جدول شماره ۶). در وزارت بهداشتی ۷ تن از زنان دارای

پستهای اداری عالی هستند؛ از جمله، ۶ مدیر کل و ۱ معاون، در حالی که در وزارت فرهنگ و اطلاع‌رسانی فقط ۲ تن هستند که یکی مدیر اداره نمایشگاهها و دیگری مدیر مرکز فرهنگی است. وزارت آموزش و پرورش نیز دارای ۳ مدیر زن است که ۲ نفر معاون وزیر و سومی مدیر کل آموزش ابتدایی و کودکانهاست. اما وزارت کار و امور اجتماعی، امور خارجه و آموزش عالی، هر کدام دارای یک مدیر زن می‌باشند. شمار بانوانی که در ادارات دولتی غیر از وزارت خانه‌ها پستهای عالی بر عهده دارند، به ۲۰ تن می‌رسد که سه برابر آنهاست که دارای این موقعیتها در وزارت خانه‌ها هستند. براساس اطلاعات موجود در جدول شماره ۷، اداره تشکیلات و مدیریت بیشترین میزان را داراست که ۸ نفر هستند؛ از جمله، ۲ نفر از آنها که دارای پستهای ممتاز می‌باشند. پس از آن، اداره اشتغال است که دارای ۳ نفر است؛ از جمله، ۲ نفر مهندس عالی و مهندس عالی اجرایی، اما در اداره‌های دارایی و هواپیمایی بیش از ۲ زن در پستهای عالی وجود ندارد و دیوان رییس دولت امارات و هیأت عالی اطلاع‌رسانی نیز هر کدام دارای یک خانم هستند. واحدهای اقتصادی که دارای نقش مؤثر در روند تولید و منافع عمومی دولت هستند، بیش از ۲ نفر از بانوان را در مشاغل عالی و حساس ندارند. جدول شماره ۸ که این اطلاعات را در اختیار ما می‌گذارد، نشان می‌دهد که فقط یک خانم در پست مدیریت در بانک مرکزی دولت امارات اشتغال دارد و همچنین یک خانم در پست مدیریت مطالعات اقتصادی وابسته به اتاق بازرگانی و صنایع ابوظبی مشغول انجام وظیفه است.

۲. آمارهای مربوط به دولت قطر که در اختیار داریم، نشان می‌دهد که گرایش برای دستیابی زنان به پستهای عالی وجود دارد، و تاکنون چندین فرمان از طرف امیر قطر برای نصب بانوان فارغ التحصیل دانشگاه در پستهای اداری عالی صادر شده است که پیش از این در قطر سابقه نداشته است. در سال ۱۹۹۶، نخستین بانو در پست معاون وزیر تعیین شد و در سال ۱۹۹۹ نیز دوزن فارغ التحصیل دانشگاه در مقام معاون وزیر تعیین شدند. در سال ۱۹۹۸ زنان قطری حق شرکت در انتخابات و نامزد شدن در شوراهای شهر را به دست آوردند. همچنین یک خانم به عنوان معاون دانشگاه قطر و یکی دیگر در سمت رییس دانشکده و ۴ نفر دیگر در

پست معاون دانشکده تعیین شدند که این گام شایسته‌ای در این زمینه به شمار می‌آید و بدین ترتیب، پستهای عالی در دانشگاه قطر که تا پایان سال ۱۹۹۹ در انحصار مردان بود، در اختیار زنان نیز قرار گرفت. در عین حال، بسیاری از بانوان ریاست بخشهای گوناگون دانشکده‌ها؛ از جمله، آموزش فنی، روان‌شناسی، اصول پرورش، زبان انگلیسی، مدیریت خانواده، مطالعات محیط زیست، زبان عربی، رایانه، فناوری آموزشی، ریاضی، فلسفه و فیزیک را بر عهده دارند. همچنین ۳ پست حساس در شورای عالی امور خانواده به بانوان واگذار شده است (رییس شورا، معاون، و مشاور). همچنین زنان پستهایی از قبیل هماهنگ‌کننده انجمنهای داوطلبان، ریاست سازمان مشورتی صنعتی خلیج فارس، ریاست هیأت مدیره جمعیت هلال احمر و همچنین ریاست مجلس امنای خانه پرورش خانواده را نیز بر عهده دارند.

در کویت، بانوان برای دستیابی به پستهای عالی مدیریت و قدرت مراحل تدریجی اداری را طی کردند و این پیشرفت با روند رشد و گسترش نقش زن در جامعه هم‌سو بود، جایگاه زن رفته رفته اهمیت و ارزش بیشتری یافت تا آنکه آنان به پستهای عالی؛ از جمله، رییس دانشگاه، معاون وزیر و سفیر دست یافتند. ریاست ۵ انجمن ملی زنان که با هدف خدمت به جامعه فعالیت دارند، به عهده زنان می‌باشد. همچنین ریاست اتحادیه انجمنهای بانوان کویتی که در سال ۱۹۹۴ با هدف تحکیم موقعیت اجتماعی زنان کویت تأسیس شد، بر عهده آنان است. آمارها درباره حضور زنان کویت در جایگاههای سرنوشت‌ساز اقتصادی در بخش خصوصی، نشان‌دهنده افزایش شمار این گروه از بانوان از ۴۰ تن در سال ۱۹۸۰ به ۱۰۵ تن در سال ۱۹۹۳، و ۲۳۰ تن در سال ۱۹۹۷ است. در زمینه پستهای حساس تصمیم‌گیرنده در مشاغل، آمارهای سال ۱۹۸۰ نشان می‌دهد که ۶۷ زن پستهای عالی اداری را بر عهده داشتند که در سال ۱۹۹۳ به ۲۸۵ مورد رسید، و در سال ۱۹۹۷ به ۳۱۱ مورد افزایش یافت. زنان عهده‌دار مشاغل و پستهای حساس، نسبت ۷/۶ درصد از مجموع زنان شاغل کویتی را در سال ۱۹۹۳ تشکیل می‌دادند، در حالی که این نسبت در سال ۱۹۸۰ به ۳/۲ درصد رسیده بود. نسبت زنان شاغل در مشاغل غیر حساس و کلیدی نیز در سال ۱۹۹۶ به ۶/۷ درصد رسید.^{۱۴}

زنان در بحرین، در سال ۱۹۷۳ از حق نامزد شدن و رأی دادن برخوردار شدند و به مقام معاون وزیر و سفیر نیز دست یافتند. رفته رفته حضور بانوان در سطوح عالی اداری و نظارتی و اجرایی افزایش می یافت و در این سال، ۴ زن برای عضویت در مجلس شورای بحرین تعیین شدند.^{۱۵}

در عمان، وجود مجلس شورا و شورای حکومتی برای زنان، فرصت مشارکت و بررسی مسایل و طرحهای سودمند با هدف مشارکت بیشتر زنان در مسایل کشور را فراهم کرد و در سال ۱۹۹۴، زن عمانی وارد فعالیتهای جدیدی شد، مانند عضویت در مجلس شورا (۲ تن) که ۸۲ عضو دارد. زنان مسقط در سال ۱۹۹۴ از حق شرکت در انتخابات برخوردار شدند و در سال ۱۹۹۷، زنان دیگر مناطق عمان هم از این حق برخوردار شدند. با هدف گسترش نقش بانوان عمان در برنامه ریزیها، ۴ زن به عنوان عضو هیأت دولت در سال ۱۹۹۷ تعیین شدند. در سال ۱۹۹۶، نسبت مشارکت بانوان در تصمیم گیری به طور کلی ۳/۶ درصد بود و در سطوح پایین تر از سطح وزارتی به ۴/۱ درصد رسید. زنان عمانی در وزارتخانه های آموزش و پرورش، اقتصاد ملی، امور اجتماعی، و آموزش حرفه ای به مقام معاون وزیر دست یافتند (۳ تن)، در حالی که این مقام تا سال ۱۹۹۸ در انحصار مردان بود. مشاور وزیر ۳ نفر، کارشناس ۱ نفر، مدیر کل ۷ نفر، مدیر ۲۲ نفر، مدیر مدرسه ۳۱ نفر، مدیر بخش ۴ نفر و در پستهای رییس دفتر فنی، رییس بخش، ناظر و مدیر دفتر هر کدام یک نفر، که در سال ۱۹۹۸ شمار زنان در مقامهای کلیدی به ۷۵ نفر رسید. در سال ۱۹۹۹، نخستین سفیر زن عمانی تعیین شد. در سال ۱۹۹۹ نیز بر اساس یک فرمان، نخستین زن به ریاست هیأت مدیره و همچنین عضویت اتاق بازرگانی و صنایع تعیین شد.^{۱۶}

باید تأکید کرد، با وجود بهبود نسبی موقعیت زنان در نهادهای تصمیم گیری در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، واقعیتها و نشانه های موجود حاکی از آن است که نقش زن در این زمینه باید فعال تر و گسترده تر شود و راههای بسیاری برای تحقق این موضوع و دستیابی به این هدف وجود دارد که مهم ترین آن، از میان برداشتن موانع موجود بر سر راه

حضور زنان در این زمینه‌هاست. در یکی از مطالعات به عمل آمده درباره «نقش زن در اداره آموزش و پرورش» گفته شده است که با وجود پیشرفت در بخش آموزش عالی زنان، موانع بسیاری همچنان مانع مشارکت زنان است و به هنگام عملی ساختن پیشرفتهای تحصیلی زنان در دانشگاه، در زمینه واگذاری مشاغل، نمایان می‌شود. به ویژه که روش سنتی تبعیض در واگذاری مشاغل سطح عالی و نبود مساوات میان زنان و مردان در ارزش گذاری و نتیجه‌گیریها به چشم می‌خورد و زنان در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به طور کلی بیش از ۸۰ درصد مشاغل میان‌مرتبه و پایین را برعهده دارند، در مشاغل مهم و حساس، مشارکت مردان بیشتر می‌شود و در مشاغل آموزشی، مردان، شغل‌های دبیرستانی و دانشگاهی را که دستمزد بیشتری دارند، برعهده می‌گیرند. با وجود آنکه حضور زنان در بخش آموزشی افزایش یافته است، اکثریت مشاغل درجه یک در این بخش را مردان برعهده دارند، حتی اگر اکثریت شاگردان و دانشجویان آنان دختر باشند. عواملی که این وضعیت تبعیض‌آمیز را درباره زنان به وجود آورده است، اداری، تشکیلاتی و شخصی و اجتماعی است. در توضیح عوامل اجتماعی^{۱۷} باید اشاره کرد که:

۱. یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش حضور زنان در شغل‌های نظارتی، برتری دادن مردان بر زنان است که هم مسئولان و هم زیردستان به این اصل معتقدند و عقیده دارند که زنان شایستگی مشاغل ریاست را ندارند و از شخصیت مناسب برای ریاست برخوردار نیستند؛
۲. اینکه زیردستان نیز ریاست آقایان را بر زنان ترجیح می‌دهند و همین اصل برای جلوگیری از بروز تنش و ناآرامی در محیط کار رعایت می‌شود. این عقیده در میان مردان و زنان به طور یکسان رایج است؛
۳. عقیده رایج در جامعه آن است که زنان در جایگاه مسئولیت و ریاست شایستگی ندارند؛ چون از ویژگیهای رهبری و فرماندهی برخوردار نیستند و همواره از جنبه عاطفی به مسایل می‌نگرند.

زنان و جامعه مدنی

جامعه مدنی در کشورهای عربی خلیج فارس، در حال تشکیل و در مرحله تکامل به شمار می آید و این تحول و تکامل با احداث نهادهای جامعه مدنی بر اثر تحولات سریع بیست سال اخیر به وقوع پیوست. جوامع کشورهای خلیج فارس و به ویژه کویت، امارات متحده عربی و تا اندازه ای بحرین، شاهد افزایش قابل ملاحظه شمار اتحادیه ها، هیأتها و جمعیت های منافع عمومی شدند که اصولاً از مجوز رسمی و به خصوص از کمکهای دولتی نیز برخوردار می شوند و این جمعیتها در زمینه شمار اعضا و فعالیتها همچنان در حال گسترش هستند و در تصمیم گیریها مؤثر واقع می شوند. اتحادیه های دانش آموزی، دانشجویی، زنان، هیأتها، جمعیت های خیریه، باشگاههای کتاب، ادبی و انجمنهای مذهبی و فرهنگی از برجسته ترین این جمعیتها به شمار می آیند و به طور کلی، خدماتی بشردوستانه و اجتماعی در چارچوب فعالیت های فرهنگی، ادبی و هنری ارائه می کنند.

با این حال، در شناخت و فعالیت و عملکرد این جمعیتها، در کشورهای خلیج فارس تفاوت بسیار دیده می شود. بر اساس همین تفاوت، می توان این کشورها را به دو گروه مختلف تقسیم بندی کرد: گروه اول، عربستان سعودی، قطر و عمان را که در آنها نبود نهادهای جامعه مدنی به طور نمایان احساس می شود که یا موجودیت ندارند، یا آنکه پیشرفته نیستند و یا اینکه از استقلال عمل کلی و یا نسبی برخوردار نمی باشند. گروه دوم شامل کویت، بحرین و امارات متحده عربی است که نهادهای جامعه مدنی در آنها به روشنی مشخص و فعالیت و عملکرد آنها علنی و فعال است و بر اساس قوانین از استقلال کامل و یا نسبی از مؤسسه های دولتی برخوردار هستند. اما نبود نهادهای جامعه مدنی در کشورهای گروه اول به معنی نبود کامل مؤسسه های مردمی و داوطلبانه فرهنگی و ویژه زنان نیست و در چند سال اخیر، چنین مؤسساتی پا به عرصه وجود گذارده اند.^{۱۸} این تشکیلات، نقشهای گوناگونی برای رشد و گسترش جایگاه زنان در جامعه بر عهده دارند. البته این نقشها بر اساس طرحها و برنامه ریزیهای موجود در هر کشور، با کشور دیگر اختلاف دارد و کمکهایی که از آن برخوردار می شوند و نقش زنان در آنها

با یکدیگر متفاوت است. می‌توان فعالیت یکی از آنها را که اتحادیه زنان در امارات متحده عربی است، چنین معرفی کرد: اتحادیه کل زنان در امارات دارای هدفهای بسیاری است که از طریق برنامه‌ها و فعالیتها در قالب سمینار، کنفرانس، گردهمایی، دوره‌های آموزشی، نمایشگاهها، جشنواره‌ها و بازدیدها و همچنین مطالعات فرهنگی درباره مسایل زنان به اجرا درمی‌آید. این اتحادیه تاکنون چند کنفرانس داخلی برگزار کرده است و در کنفرانسهای عربی و بین‌المللی با هدف تحکیم موقعیت زنان شرکت کرده است.

اتحادیه زنان امارات در بسیاری از طرحها و برنامه‌های داخلی و عربی؛ از جمله، طرحهای سوادآموزی بزرگسالان، برنامه‌های بهداشتی با همکاری وزارت بهداشتی، بعضی برنامه‌های مربوط به رشد زن (از طریق تشکیل گروههای فرهنگی سنتی که به تولید فرآورده‌های سنتی قدیمی و فروش آن توجه دارد) و همچنین طرح احداث واحد اقدام محیط زیست در داخل اتحادیه زنان مشارکت کرده است. این اتحادیه برنامه فرهنگی ویژه‌ای را در بسیاری از کنفرانسها و سمینارهای مربوط به مسایل زن ارایه می‌کند که در افزایش هوشیاری و آگاهی زنان به مسایل اجتماعی خود نقش بسزایی دارد. این اتحادیه همچنین طرح سرپرستی اجتماعی خانواده‌ها را که به هدف تحقق امنیت اجتماعی خانوادگی و حفظ موجودیت خانواده‌ها در امارات و حفظ سنتها و ارزشهای اصیل جامعه می‌باشد، به اجرا درآورده است. همچنین یک دفتر به نام «استخدام زنان فارغ‌التحصیل دانشگاهها» تأسیس کرده است که با هماهنگی اداره‌ها و مؤسسه‌های دولتی اقدام به استخدام این فارغ‌التحصیلان در ادارات می‌کند. این اتحادیه همچنین چند طرح مطالعاتی؛ از جمله، طرح خانواده عربی از دیدگاه محلی و جهانی، طرح آمارگیری خانواده‌ها در امارات، طرح راهبرد ملی پیشرفت زن در امارات تا سال ۲۰۲۰ و طرح تهیه گزارش ملی اوضاع زن در امارات با توجه به توصیه‌های اجلاس پکن، در دست تهیه دارد.

دیدگاه آینده‌نگر درباره نقش زنان در خلیج فارس

همچنان که در آغاز تأکید شد، مسئله اظهارنظر درباره آینده زن در خلیج فارس تنها از طریق بررسی نقش‌هایی که آنان برعهده دارند و جلوه‌های آن امکان‌پذیر است. اکنون و پس از به پایان رساندن بررسی آن نقش، تأکید می‌کنیم که واقعیت این نقش‌ها از یک سو به طبیعت و ساختار جوامع خلیج فارس و از سوی دیگر به تحولاتی که برای آن پیش‌آمد و گرایش‌های آینده که تحولات جهانی تحمیل می‌کند، بستگی دارد، بنابراین زنان این وظایف را برعهده دارند:

۱. زنان باید در بسیاری از نقش‌های خانوادگی، به ویژه تربیتی شرکت کنند؛ چون دارای آثار بسیار مثبتی است؛

۲. زنان باید به نقش خود در زمینه رشد از طریق بهره‌برداری از تحصیلات و مشارکت در بخش تولید ادامه دهند تا حضور خود و مشارکت در رشد و توسعه اقتصادی جامعه را به اثبات رسانند؛

۳. زن باید در زمینه‌های حرفه‌ای که بخش خصوصی بدان نیاز دارد، مشارکت کند تا به رقابت عوامل خارجی (غیرعربی) که در این زمینه فعالیت دارند، پایان دهد و از آثار منفی حضور آنان بکاهد؛

۴. زن به روند مشارکت در تصمیم‌گیری ادامه دهد تا به مراحل بالاتر قدرت دست یابد؛

۵. به اجرا درآمدن این نقش‌ها به طور فعال تحقق نمی‌یابد، مگر با غلبه بر شماری از خطرهایی که زنان خلیج فارس با آن روبه‌رو هستند. چیره شدن بر آنها نیازمند فشرده شدن کوشش‌های تمامی بانوان و همچنین فعالیت دسته‌جمعی همه مؤسسات زنان در این زمینه است. در این بخش به نقش آینده زن و جلوه‌ها و خطراتی که با آن روبه‌رو است، خواهیم پرداخت:

۱. مشارکت اقتصادی

بخش‌های پیشین بررسی و مطالعه ما نشان داد که فعالیت زنان همچنان در زمینه‌های

خاصی، به ویژه آموزشی و خدمات پزشکی محدودیت دارد و مشارکت آنان در بخش تولید همچنان محدود است. در صورتی که نگاهی به افزایش آمارهای مربوط به حضور زنان در آموزش دانشگاهی بیندازیم، به این نتیجه خواهیم رسید که عرصه نیروی اشتغال زنانه در آینده به سود بانوان خواهد بود، ولی در عین حال بیشتر این نیروی اشتغال را در مشاغل نظری است، بنابراین، با موانعی برای دستیابی به مشاغل دولتی که از هم اکنون با تورم کارمند و کاهش نقش خود روبه‌رو است، مواجه خواهند شد و در نتیجه، بسیاری از زنان فارغ التحصیل در کشورهای شورای همکاری با پدیده بیکاری روبه‌رو خواهند شد. آثار ناشی از روند جهانی شدن که از جمله آن کاهش نقش حکومتها و فعال کردن بخش خصوصی، نیاز به تخصصهای فنی و حرفه‌ای عالی و همچنین آشنایی با زبانهای بیگانه است، زن در خلیج فارس را در برابر خطراتی قرار داده است که در حقیقت مانع مشارکت فعال وی در بخش اقتصادی جامعه می‌شود.

با توجه به دوگانگی موجود در بازارهای کشورهای خلیج فارس که دارای یک بازار کار اولیه (بخش دولتی) است که زنان سعی دارند در آن مشغول به کار شوند و بازار کار درجه دوم که افراد شاغل در بخش خصوصی را - با تمامی فعالیتهای اقتصادی آن - در برمی‌گیرد و به‌طور کلی بر افراد شاغل که از کشورهای بیگانه به ویژه آسیا آمده‌اند، تکیه دارد، طبیعی است که تحولات اقتصادی داخلی و جهانی بر این دو بازار اثر گذاری می‌کنند. بخش مشاغل دولتی، با توجه به افزایش شمار زنان فارغ التحصیل دانشگاهها و دیپلمه‌ها، نمی‌تواند بیش از این برای آنان اشتغال‌زایی کند، به خصوص که میزان حقوق و دستمزدها در بودجه‌های سالانه کشورهای عضو شورای همکاری نمی‌تواند بیش از این افزایش یابد تا شاغلان بیشتری را جذب کند؛ چون این بخش اشباع شده است. کشورهای عضو شورای همکاری سعی دارند از طریق جایگزین کردن شاغلان محلی به جای افراد خارجی، زنان فارغ التحصیل دانشگاهها را به کار بگیرند. در عین حال، در نظر است نسبتی برای استخدام شاغلان بیگانه در هر طرح و برنامه‌ای تعیین شود و اتباع هر یک از کشورها نسبت خاصی برای استخدام داشته باشند. در عین حال، در نظر است هزینه و عوارض استخدام و به‌کارگیری شاغلان بیگانه افزایش یابد.

در عین حال، موفقیت روش جایگزینی شاغلان محلی به جای شاغلین بیگانه نیازمند رفع موانع زیر است:

- فراهم نبودن سطح عالی از مهارت‌ها در بعضی تخصص‌های فنی و اداری عالی نزد شاغلان محلی که در نتیجه، برای جبران این کمبود از شاغلین خارجی استفاده می‌شود؛

- درخواست حکومت‌های کشورهای عضو شورای همکاری از بخش خصوصی برای افزایش فعالیت و گسترش آن در تمامی زمینه‌های تولیدی و خدماتی؛

- خودداری جوانان (از هر دو جنس) در کشورهای عضو شورای همکاری از اشتغال در بخش‌هایی خاص و همچنین درخواست حقوق و دستمزدهای بالا و همانند مشاغل دولتی که این خود مسئولان بخش خصوصی را وامی‌دارد تا از به کارگیری آنان خودداری کنند؛

- کاهش نسبت مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی که در بازار کار فراهم است.

با وجود آنکه تحصیلات آنها در تمامی رشته‌ها و زمینه‌ها صورت می‌گیرد، اما اشتغال آنان فقط منحصر به مشاغل آموزشی، بهداشتی و خدمات اجتماعی است. ولی با توجه به بررسی‌های انجام شده، پیش‌بینی می‌شود بهبود و افزایش نسبی در این زمینه پدید آید.

افزایش شمار زنان فارغ‌التحصیل رشته‌های علمی و عملی به افزایش مشارکت آنان در بسیاری از فعالیتهای اقتصادی که بازار کار و بخش خصوصی بدان نیاز دارد، خواهد انجامید و پیش‌بینی می‌شود در آینده در دسری برای اشتغال نداشته باشند، به ویژه که بعضی مشاغل (بخش‌های بانکی، بهداشتی، صنعتی، کشاورزی، فنی حرفه‌ای و اداری) در کشورهای عضو شورای همکاری نه تنها قادر است زنان فارغ‌التحصیل سال ۲۰۰۰-۱۹۹۹ را جذب کند، بلکه فارغ‌التحصیلان زن در پنج سال آینده را نیز به کار بگیرد و شاید شمار اندک زنان فارغ‌التحصیل، نیازهای این بخشها را نیز برآورده نکند. این مسئله در مورد کویت نیز صدق می‌کند و آمارهای مربوط به فارغ‌التحصیلان زن دانشگاهی در رشته‌های علمی و عملی طی پنج سال آینده، نشان‌دهنده افزایش آن به نسبت ۶۷ درصد و کاهش اندک این فارغ‌التحصیلان در رشته‌های آموزشی و تعلیم تطبیقی و مراکز آموزش حرفه‌ای (ارتباطات و هوانوردی) است. اما افزایش

شمار زنان فارغ التحصیل در رشته‌های علمی و عملی (فیزیک، ریاضی، بیولوژی، پزشکی، علوم پزشکی، پرستاری، مدیریت، اقتصاد، حسابداری، علوم کشاورزی، تغذیه، مهندسی و رایانه) در کشورهای عربستان سعودی، قطر و بحرین در مقایسه با افزایش فارغ التحصیلان رشته‌های نظری اندک خواهد بود.

در هر حال، این شمار از زنان فارغ التحصیل رشته‌های علمی و عملی با وجود مشکلات بازار کار، در آینده با دروسری برای اشتغال روبه رو نخواهند شد، ولی در عین حال آنان نیاز بخش‌های تولیدی و عملی بازار را به طور کلی برآورده نخواهند کرد و شاید نتوانند جایگزین شاغلان بیگانه در هر یک از کشورهای عضو شورای همکاری شوند؛ چون کیفیت مشاغل و خواسته‌های شاغلان مانع دستیابی به چنین راه‌حلهای آسانی می‌باشد. همچنین باید بر ضرورت کوشش و اقدام برای ایجاد تحول در ارزشهای فرهنگی و تأکید بر اهمیت مشارکت نیروی کار و شاغلان محلی در تمامی زمینه‌ها و در عین حال رشد مشاغل به گونه‌ای که نیازمند تحصیلات عالی و تجربه حرفه‌ای ویژه‌ای داشته باشد، بذل توجه کرد. در عین حال، فلسفه آموزش باید مورد تجدید نظر قرار گیرد، به طوری که جامعه فرزندان خود را به سوی آموزش ویژه و توجه بیشتر به مشاغل متوسط و حرفه‌ای تشویق کند. چنین تحولاتی نیازمند طرح‌های حکومتی هم‌سو با اصلاحات اقتصادی تکامل یافته‌ای است که جامعه را وادار به بازسازی ارزشهای مربوط به تحصیل و اشتغال کند، به طوری که دیدگاه اشتغال داوطلبانه جای خود را به دیدگاه اشتغال تولیدی و فعال بدهد.^{۱۹}

درباره دختران فارغ التحصیل رشته‌های نظری (دانشکده‌های علوم انسانی، علوم تربیتی، الهیات و حقوق)، با وجود آنکه آمارهای پیش بینی شده و پنج سال آینده نشان دهنده کاهش آنان است، البته به استثنای عربستان سعودی و قطر که شاهد افزایش خواهند بود، آنان در پیدا کردن شغل با مشکل روبه‌رو خواهند شد؛ چون از یک سو تحصیلات و تخصص آنان مناسب با نیازهای بازار کار و مشاغل که بخش خصوصی برای آن فعالیت می‌کند، نیست و از سوی دیگر، بخش دولتی با شمار بسیار این فارغ التحصیلان در سالهای گذشته اشباع شده

است، تا آنجا که زنان فارغ التحصیل این رشته‌ها در سال‌های (۹۹-۱۹۹۸ و ۲۰۰۰-۱۹۹۹) همچنان در انتظار استخدام هستند. بنابراین، پیش‌بینی می‌شود که افزایش چشمگیری در این گروه از فارغ التحصیلان زن پدید آید، به گونه‌ای که بحران بیکاری را شدیدتر کند که خود نیازمند سرعت در برنامه ریزی برای رویارویی با این پدیده است. بنابراین، مؤسسه‌های آموزشی برای آنکه رشته‌های آموزشی، تقاضای بازار کار را در کشورهای عضو شورای همکاری بیشتر برآورده کند، باید اقدامات ذیل را اتخاذ کنند:

۱. فراهم کردن آموزشهای عملی؛
۲. گسترش به کارگیری برنامه‌های تطبیقی؛
۳. به کارگیری رایانه و فراگیری زبانهای خارجی (فرانسوی و انگلیسی) در سطح عالی؛
۴. به کارگیری دانش نوین در تمامی سطوح آموزشی؛
۵. گسترش احداث رشته‌های تخصصی بیشتر در برنامه‌های دانشگاهها، دانشکده‌ها و مراکز آموزشی.

تحولات آینده، ضرورت تجدید نظر در اشتغال زنان را به گونه‌ای تحمیل می‌کند که باید به سوی مشاغلی در بخشهای تولیدی و خدماتی گام برداشت و برای تحقق این هدفها، اقدامات ذیل باید اتخاذ شود:

- برنامه‌ریزی و اجرای سیاستهای آموزشی و آموزش حرفه‌ای زنان و به ویژه دختران و آنهایی که به بازار کار و اشتغال بازگشته‌اند تا مهارتهای ضروری و مورد نیاز که بر اثر تحولات اجتماعی و اقتصادی پدید آمده است، به آنان آموخته شود و در نتیجه، فرصتهای بهتری برای اشتغال در پیش‌رو خواهند داشت؛

- در اختیار گذاردن اطلاعات مربوط به آموزشهای حرفه‌ای در زمینه‌های علمی و فناوری برای زنان و تشریح جنبه‌های مثبت آن؛

- تهیه و اجرای برنامه‌های آموزشی و آموزش حرفه‌ای برای زنان بیکار با هدف افزایش مهارتهای آنان که در افزایش زمینه اشتغال آنان اثر مثبت خواهد داشت؛

- گوناگون کردن زمینه‌های آموزش حرفه‌ای برای دختران و زنان در زمینه‌های علوم، ریاضی، مهندسی و علوم و فناوری محیط، و رایانه؛

- فراهم کردن فرصت‌های آموزش حرفه‌ای زنان در زمینه‌های فناوری و اداری و کشاورزی و بازاریابی در بخش کشاورزی و شیلات، صنایع و فعالیتهای بازرگانی و اصناف با هدف افزایش درآمد؛

- اختصاص بودجه لازم برای کاهش تنشها و برخوردهای به وجود آمده از نقش دوگانه زن در خلیج فارس که بر اثر آن مشکلات بسیاری به طور کلی در خانواده و به ویژه درباره کودکان به وجود می‌آید، و اقدام برای حل این مشکلات تنها از طریق اقدامات مثبت جامعه امکان پذیر است؛ از جمله، احداث مهدهای کودک در وزارتخانه‌ها و اداره‌ها.

۲. زن و تصمیم‌گیری

در زمینه فعال کردن نقش زنان در مشاغل مدیریتی و تصمیم‌گیرنده، باید برای بهبودسازی آگاهی‌های آنان در زمینه‌های سیاسی و حقوقی اقدام صورت گیرد و قوانین و مقررات مربوط به بانوان مطابق با تحولات نوین به تصویب برسد، تا از یک سو زنان بتوانند بر اساس قوانین نوین از حقوق سیاسی برخوردار شوند و از سوی دیگر، اندیشه اشتباه مردان درباره ناتوانی زنان در مشاغل مدیریتی اصلاح شود.

۳. تحول ساختاری ارزشها و اثر آن در نقش زن

پیدایش رایانه و روند جهانی شدن و آثار اقتصادی، فرهنگی و فناورانه آن پیامدهای ناگواری را در خانواده‌ها برجای گذارده است، و البته خطر آثار اجتماعی و فرهنگی آن بیش از خطر اقتصادی است؛ چون بسیاری از ارزشها و روشهایی را در خانواده‌ها برجای می‌گذارد که با ارزشهای سنتی و کهن موجود که عامل تحکیم و همبستگی خانواده است و روابط اجتماعی را پایه‌ریزی می‌کند، در تضاد است. [تا به امروز] این ارزشهای جدید چنان در ذهن افراد، به

خصوص کودکان و نوجوانان رخنه کرده که به صورت خطری برای هویت فرهنگی اعضای جامعه و به ویژه خانواده درآمده است. از جمله مهم ترین این ارزشها می توان این مجموعه را نام برد: تکروی، استقلال طلبی افراطی همراه با انزواطلبی، رقابت، آزادی بیش از اندازه، ارزشهای غربی مادرانه، ارزشهای غربی روابط زناشویی، خواسته های افراطی، تقلید و هم سوئی با ارزشهای غربی، افراط در مصرف، خشونت، نافرمانی در برابر والدین و روشهای رفتاری تجاوزگرانه.

در نتیجه این تحولات با تمامی پیامدهای اقتصادی و اندیشه ای آن، مشکلات بسیاری در جامعه پدید آمد که خطراتی را برای زنان در پی داشت که مهم ترین آن درباره نقش خانوادگی زن و وظیفه مادری وی بر اثر افزایش سن ازدواج، دشواری تربیت فرزندان و به کارگیری مستخدمه ها برای نگهداری و تربیت کودکان بود، به ویژه که این مستخدمه ها به علت تفاوت و گاهی تفاوت های آموزشی، زبان، دین و سن، شایستگی تربیت کودکان را ندارند. وسایل ارتباط جمعی نیز در روند پرورش اجتماعی دخالت دارند، به خصوص که بخش تصویری این رسانه ها که از طریق کانالهای ماهواره ای پخش می شود، ارزشهایی را عرضه می کنند که با ارزشهای دریافتی کودکان و شخصیت آنان در تضاد است، در نتیجه، ارزشهای مادی را نزد کودکان تقویت و ارزشهای معنوی را تضعیف می کند و این خود نتایج منفی به دنبال دارد. بسیاری از مطالعات نشان داده است که کودکان بر اثر تماشای برنامه های ماهواره ای به تقلید از روش لباس پوشیدن، غذا خوردن، سخن گفتن شخصیت هایی که در این برنامه ها می بینند، می پردازند و اخلاق و رفتار سنتی را کنار می گذارند و این تحول بر هویت فرهنگی آنان اثر ناخوشایندی می گذارد. مطالعات به عمل آمده همچنین نشان می دهد که تماشای این برنامه ها به پیدایش مشکلات بسیار خانوادگی انجامیده است که از جمله می توان به آزادی فردی، رفتار خودسرانه و تجاوزگرانه، کشیدن سیگار، نافرمانی در برابر پدر و مادر، افزایش شکاف اجتماعی میان والدین و فرزندان، افزایش اختلافات اجتماعی و آموزش رفتارهای افراطی بر اثر تماشای آگهی های شبکه های ماهواره ای اشاره کرد و تمامی این مشکلات، امنیت اقتصادی خانواده و سلامتی اجتماعی آن را به خطر می اندازد. برای رویارویی با خطرات فرهنگی و اجتماعی، مؤسسات اطلاع رسانی و

تربیتی وظایفی برعهده دارند که از جمله آن تهیه برنامه‌های متنوع است که از یک سو موازنه در پرورش شخصیت کودک را به وجود می‌آورد و از سوی دیگر، ارزشهای وابستگی او را به جامعه که رسانه‌های خارجی برای تضعیف آنها اقدام می‌کنند، تحکیم می‌بخشد. در این میان مدرسه نقش تکمیل‌کننده وظایف و مسئولیت خانواده را دارد و می‌تواند ارزشهای دینی و معنوی را در شخصیت دانش‌آموزان تحکیم بخشد و آنان را به پایبندی به دستورات دینی و مذهبی و اخلاق پسندیده تشویق کند، همچنین با اجرای برنامه‌های گوناگون هنری، آنها را از فرورفتن در گرداب مادی‌گرایی بازدارد. مؤسسه‌های تربیتی و آموزشی همچنین وظیفه دارند نکات تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی را برای دانش‌آموزان و دانش‌آموختگان خود مطرح کنند تا نسلهای جوان با آگاهی کامل در برابر روند جهانی شدن قرار گیرند.

در نهایت، نهادهای جامعه مدنی موجود در نظم جهانی و به خصوص جمعیت‌های ملی زنان، مسئولیت آماده‌سازی زنان برای رویاروی با این خطرات گوناگون را برعهده دارند، اما این وظیفه نتیجه‌بخش نخواهد بود، مگر آنکه روند فعالیتهای داوطلبانه به ویژه در میان زنان افزایش یابد که برای گسترش آن باید اقدامات ذیل را به عمل آورد:

۱. تشویق خانواده‌هایی که زنان در آنها در اقدامات و فعالیتهای داوطلبانه شرکت دارند، بر این مبنا که خانواده خود مشوق آنها برای این فعالیتهای بوده است؛

۲. اقدام جمعیت‌ها در تهیه برنامه‌ها و دوره‌های فعالیتهای داوطلبانه در زمینه‌های گوناگون و تشریح پیام اجتماعی و بشر دوستانه آن برنامه‌ها تا همگان با دید مثبت به آن بنگرند و آن را بپذیرند؛

۳. هماهنگی با دستگاههای دولتی مسئول اجرای فعالیتهای مشابه اقدامات جمعیت‌های خیریه با هدف هم سو کردن این فعالیتهای؛

۴. ضرورت انجام مطالعات درباره مسایل مختلف؛ از جمله، موانع فعالیتهای داوطلبانه، کیفیت فعالیتهای داوطلبانه‌ای که زنان مایل به انجام آن هستند و نیز ارزش‌یابی گرایشهای خانواده در زمینه فعالیتهای داوطلبانه؛

جدول شماره ۱

آمار زنان فاغ التحصیل از دانشگاه امارات و دانشکده‌های فناوری

از ۱۹۹۴-۹۵ تا ۱۹۹۸-۹۹

جمع	۱۹۹۸-۹۹	۱۹۹۸-۹۷	۱۹۹۶-۹۷	۱۹۹۵-۹۶	۱۹۹۴-۹۵	سال
						دانشکده‌های دانشگاه امارات
۱۶۱۳	۶۴۱	۴۵۵	۲۰۱	۱۴۹	۱۶۷	علوم انسانی و اجتماعی
۹۸۷	۳۴۲	۲۷۷	۱۶۹	۱۰۱	۹۸	علوم
۲۴۳۵	۳۶۵	۷۰۷	۵۴۳	۴۳۲	۳۸۸	علوم تربیتی
۷۹۵	۱۰۹	۱۸۹	۱۹۸	۱۴۷	۱۵۲	علوم تربیتی و برنامه‌ریزی
۵۸۴	۱۲۴	۱۳۵	۱۱۵	۱۰۷	۱۰۳	مدیریت و اقتصاد
۷۰	۲۸	۱۶	۱۱	۷	۸	حقوق و الهیات
۱۸۱	۵۶	۴۲	۴۰	۲۳	۲۰	علوم کشاورزی
۲۳۱	۶۴	۶۸	۴۱	۲۶	۳۲	مهندسی
۱۲۶	۱۸	۵۷	۷	۷	۳۷	تحصیلات عالی
-	-	-	-	-	-	دانشکده‌های فناوری
۷۶۰	۳۹۰	۱۴۴	۹۶	۶۸	۶۲	مدیریت، حسابداری و رایانه
۱۹۷۲	۸۹۴	۱۰۷۸	-	-	-	طرح و برنامه
۳۲	۲۶	۶	-	-	-	علوم بهداشتی
۳۵	۱۹	۱۶	-	-	-	فناوری ارتباطات

جدول شماره ۲

شمار زنان خارج التحصيل از دانشگاه عجمان و دانشكده‌های دوبي

از ۱۹۹۴-۹۵ تا ۱۹۹۸-۹۹

سال	۱۹۹۴-۹۵	۱۹۹۵-۹۶	۱۹۹۶-۹۷	۱۹۹۷-۹۸	۱۹۹۸-۹۹	جمع
دانشگاه عجمان						
رایانه	۱۴	۴	۱۳	۲۲	۱۹	۷۲
رایانه (دیپلم)	-	-	۱	-	-	۱
مهندسی الکترونیک	۶	۳	-	-	۱	۱۰
مدیریت	۹	۱۳	۱۱	۳۱	۱۷	۸۱
زبان انگلیسی و ترجمه	۱۲	۹	۱۶	۳۸	۱۹	۹۴
پرورش دبیران زبان عربی و مطالعات اسلامی	-	-	۵	۳۰	۲۵	۶۰
پرورش دبیران ریاضی و علوم	-	-	-	۶	۲	۸
مهندسی ارتباطات	-	-	-	-	-	-
مهندسی غیرنظامی	-	-	-	-	-	-
مهندسی پزشکی بیولوژیک	۳	-	-	-	-	۳
جمع	۴۴	۲۹	۴۶	۱۲۷	۸۳	۳۲۹
دانشكده‌های دوبي						
پزشکی	۴	۵	۳	۴	-	۱۶
داروسازی	-	۵	۱	۲	-	۸
مطالعات اسلامی و عربی	۶۱	۵۰	۵۸	۸۹	-	۲۵۸
جمع	۶۵	۶۰	۶۲	۹۵	-	۲۸۲

جدول شماره ۳

آمار فارغ التحصیلان زن از دانشگاه کویت

از ۱۹۹۳-۹۴ تا ۱۹۹۸-۹۹

۱۹۹۸-۹۹		۱۹۹۷-۹۸		۱۹۹۶-۹۷		۱۹۹۵-۹۶		۱۹۹۴-۹۵		۱۹۹۳-۹۴		سال دانشکده
درصد	عدد	درصد	عدد	درصد	عدد	درصد	عدد	درصد	عدد	درصد	عدد	
۸۹	۲۰۷	۸۰	۱۷۵	۸۴	۱۸۰	۸۶	۲۰۵	۸۴	۱۷۰	۸۴	۱۷۸	علوم
۵۵	۶۴	۶۹	۲۹	۵۱	۵۲	۳۲	۸	۵۹	۴۶	۵۴	۲۶	پزشکی
۴۶	۱۳۴	۴۸	۱۴۹	۵۲	۱۲۶	۵۹	۱۳۰	۵۶	۸۶	۵۱	۵۴	مهندسی
۹۴	۳۲	۹۵	۳۵	۹۵	۳۸	۹۷	۳۴	۸۸	۲۳	۹۷	۳۲	پزشکیاری
.	داروسازی
.	دندان سازی
۶۵	۴۳۷	۶۴	۳۸۸	۶۶	۳۹۶	۷۳	۳۷۷	۷۱	۳۲۵	۷۳	۲۹۰	مجموعه دانشکده‌های مطالعات علمی
۸۳	۴۴۹	۸۰	۴۳۷	۸۲	۴۷۱	۸۶	۴۳۱	۹۳	۲۹۰	۸۴	۱۸۵	ادبیات
.	علوم اجتماعی
۶۴	۱۶۷	۶۰	۱۴۰	۶۵	۱۵۴	۷۳	۱۲۷	۶۸	۶۳	۸۸	۳۷	الهیات
۷۷	۶۱۶	۷۴	۵۷۷	۷۷	۶۲۵	۸۳	۵۵۸	۸۷	۳۵۳	۸۴	۲۲۲	مجموعه دانشکده‌های علوم انسانی
۴۸	۶۳	۴۸	۲۹	۴۶	۶۵	۵۰	۷۵	۳۲	۲۴	۴۱	۵۲	حقوق
۸۸	۴۵۳	۸۵	۴۱۶	۸۶	۵۰۹	۸۷	۵۸۵	۸۹	۴۵۰	۹۰	۳۹۱	علوم تربیتی
۵۸	۲۶۷	۵۶	۲۹۴	۵۸	۳۳۱	۶۰	۴۲۰	۶۴	۲۹۲	۶۷	۲۱۴	بازرگانی
۷۱	۷۸۲	۶۹	۷۳۹	۷۰	۹۰۵	۷۱	۱۰۸۰	۷۴	۷۶۶	۸۵	۶۵۷	مجموعه دانشکده‌های مطالعات ادبی
۷۱	۱۸۳۵	۶۹	۱۷۰۴	۷۱	۱۹۲۶	۷۴	۲۰۱۵	۷۶	۱۴۴۴	۷۹	۱۱۶۹	جمع

جدول شماره ۴
آمار زنان فارغ التحصیل از دانشگاه قطر
از ۱۹۹۴-۹۵ تا ۱۹۹۸-۹۹

جمع	۱۹۹۸-۹۹	۱۹۹۷-۹۸	۱۹۹۶-۹۷	۱۹۹۵-۹۶	۱۹۹۴-۹۵	سال دانشکده
۸۴۵	۱۴۱	۱۶۲	۱۷۵	۲۱۰	۱۵۷	علوم انسانی و اجتماعی
۱۸۶۱	۳۹۲	۳۷۶	۴۰۲	۲۳۸	۳۵۳	علوم تربیتی
۳۸۴	۷۱	۸۴	۸۰	۷۹	۷۰	علوم
۳۱۹	۵۵	۶۹	۷۲	۶۶	۵۷	حقوق و الهیات
۲۰۱	۵۶	۵۶	۲۸	۳۹	۲۲	مدیریت و اقتصاد
۳۸۴	۷۰	۵۸	۶۱	۵۶	۳۹	فناوری

جدول شماره ۵

آمار فارغ التحصیلان زن از دانشگاهها، دانشکدهها و آموزشگاههای عالی بحرین

از ۱۹۹۴-۹۵ تا ۱۹۹۸-۹۹

سال	۱۹۹۴-۹۵	۱۹۹۵-۹۶	۱۹۹۶-۹۷	۱۹۹۷-۹۸	۱۹۹۸-۹۹	جمع
دانشکدههای دانشگاه بحرین						
ادبیات	۱۲۱	۷۳	۱۷۷	۱۷۳	۱۷۹	۷۲۳
علوم	۷۹	۷۳	۷۱	۷۸	۸۲	۳۸۳
علوم تربیتی	۲۴۴	۱۷۱	۲۳۷	۲۵۱	۲۷۱	۱۱۷۴
مدیریت	۲۲۶	۲۷۱	۳۴۰	۳۵۲	۳۷۷	۱۵۶۶
مهندسی	۱۰۴	۱۰۹	۱۶۶	۱۶۶	۱۸۸	۷۳۳
دانشگاه خلیج عربی [فارس]						
پزشکی و علوم پزشکی	۹۲	۸۶	۷۹	۷۹	۸۳	۴۱۹
مطالعات عالی	-	۲۵	۲۳	۱۹	۱۴	۸۱
علوم بهداشتی (پایه)	۱۳۸	۱۳۶	۱۷۱	۱۳۵	۱۶۷	۷۴۷
علوم بهداشتی (پس از پایه)	-	-	-	-	-	-
جهانگردی	-	-	۷	۵۰	۵۳	۱۱۰
آموزشگاه عالی بحرین						
دیپلم عالی مهندسی	۷۳	۳۷	۲۲	۶۲	۹۷	۲۹۱
دیپلم مهندسی	۳۷	۲۹	۳۷	۳۴	۲۵	۱۶۲

جدول شماره ۶

زنان کارمند شاغل در پستهای عالی در وزارتخانه‌های امارات متحده عربی

نام وزارتخانه	تعداد	ملاحظات
بهداری	۷	مدیر اداره
فرهنگ و اطلاع‌رسانی	۲	مدیر اداره نمایشگاهها / مدیر مرکز فرهنگی
آموزش عالی	۱	مدیر اداره برنامه‌های پژوهشی
آموزش و پرورش و جوانان	۳	فائز مقام و معاون وزیر (۲ نفر) / مدیر اداره مدارس ابتدایی و کودکانها
کار و امور اجتماعی	۱	معاون وزیر
امور خارجه	۱	مدیر امور اداری
جمع	۱۵	—

جدول شماره ۷

زنان کارمند در پستهای عالی در ادارات و سازمانهای دولتی امارات متحده عربی

نام اداره یا سازمان	تعداد	ملاحظات
اداره دارایی	۲	ویژه / سرممیز بودجه
اداره اشتغال	۳	مهندس ارشد (۲ نفر) / مهندس ارشد اجرایی
اداره تشکیلات و مدیریت	۸	ویژه (۲ نفر)
اداره برنامه ریزی	۳	۲ پژوهشگر ارشد اقتصادی / رییس بخش رایانه
اداره هواپیمایی کشوری	۲	مهندس ارشد / هماهنگ کننده برنامه ریزی و پی‌گیری
دیوان رییس دولت امارات	۱	ویژه
اداره کل اطلاع‌رسانی	۱	عالی فنی
جمع	۲۰	—

جدول شماره ۸

کارمندان زن پستهای عالی در نهادهای اقتصادی امارات عربی متحده

نام نهاد	تعداد	ملاحظات
بانک مرکزی امارات متحده عربی	۱	مدیر
اتاق بازرگانی و صنایع ابوظیبی	۱	مدیر اداره مطالعات اقتصادی و آموزش
جمع	۲	_____

پاوقئها:

١. مئثا سالم الشامسى و آخرون، «توظفف الخرفجات فى دول مجلس التعاون الخلفجى (فارسى)»، ٢٠٠٠.
٢. الكتاب السنوى للخرفجفن، ٢٠٠٠.
٣. مئثا سالم الشامسى و عبدالله لؤلؤ، «الأدوار المئغيره للمراه الإماراتفه»، ١٩٩٩، ص ٣٤.
٤. مئثا سالم الشامسى و آخرون، المصءر نفسه.
٥. المصءر نفسه.
٦. المصءر نفسه،
٧. المصءر نفسه، ص ٨٤.
٨. جامعه الدول العربفه، المئقرفر العربى الموءء لمئابعه الإنجازات الئى تم ءحققفها فى الدول العربفه لئنففء مقررء المؤئمء العالمى الرابع للمراه، القاهره: الجامعه، الأمانه العامه للشؤون الاجئماعفه و الثقاففه، اداره شؤون المراه و الأسره، ٢٠٠٠.
٩. المصءر نفسه، ص ١٠٦.
١٠. مئثا سالم الشامسى و آخرون، المصءر نفسه.
١١. المصءر نفسه.
12. Eleanor Doumato, "The Saudis and the [Persian] Gulf War: Gender, Power and the Revival of the Religious Right," pp. 84 and 211, and Charlotte Heath, "Women, Income Generation and Gender Relations Oman," pp. 164 and 183, in Abbas Abdelkarim (ed), *Change and Development in the [Persian] Gulf*, New York: St. Martins, Press, 1999.
١٣. سمفر فرفء، «الئنظفم الإدارى بءوله الامارات العربفه المئءءه ... ءراسه ءلفلففه»، فى: بلال محمد بلال و آخرون، ءراساء فى مئئمع الامارات، ج ٩، الشارقه: جمعهه الاجئماعفه، ١٩٩٨ - ١٩٩٠، ص ٢٥٩.
١٤. جامعه الدول العربفه، المصءر نفسه، ص ص ١١٣-١١٢.
١٥. المصءر نفسه، ص ١١٣.
١٦. المصءر نفسه، ص ١١٤.
١٧. مئثا سالم الشامسى، «ءور المراه الخلفجفه (فارسفه) فى اداره ءءلفم»، ص ص ١٧-١٦.
١٨. منفره اءمء فءرو، «موقع الحركات النسوفه فى مؤسساء المئئمع المءنى: فى البءرفن و الكوفء و الامارات»، *عالم الفكر*، السنه ٢٧، العءءء ٣، مارس ١٩٩٩، ص ص ١٢٦-١٢٥.
١٩. عامر ءئمفمى، «القوى العامله فى دول مجلس التعاون الخلفجى (فارسى)»، ٢٠٠٠/٦، الملقق الاقئصاءى.